



دانشگاه علامه طباطبایی

دانشکده‌ی روانشناسی و علوم تربیتی

پایان‌نامه‌ی دوره‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم تربیتی

اصول و روش‌های تربیت اجتماعی کودک بر اساس قرآن و نهج البلاغه

استاد راهنما:

خانم دکتر مفیدی

استاد مشاور:

آقای دکتر ملکی

استاد داور:

خانم دکتر فیاض

پژوهشگر:

فاطمه رضانی

زمستان ۱۳۸۹



چکیده:

تربیت یکی از مباحث مورد توجه ادیان و مکاتب مختلف در طول قرون و اعصار بوده است. تربیت ابعاد مختلفی را داراست که یکی از مهم‌ترین این ابعاد، بعد تربیت اجتماعی می‌باشد. برای تربیت اجتماعی نیز بهترین دوران، دوران کودکی است، چراکه این دوران زمان و فرصتی بسیار مناسب برای انواع یادگیری‌های اجتماعی است و روند اجتماعی شدن در سال‌های کودکی از سرعت بیشتری برخوردار است.

اسلام به عنوان دین کامل و اکمل، آیین الهی زندگی انسان‌هاست که آموزه‌های آن می‌تواند به عنوان منبعی ارزشمند برای استخراج اصول و روش‌های تربیت باشد. براین اساس، این تحقیق با استفاده از دو منبع اصلی اسلامی «قرآن» و «نهج البلاغه» و در پی پاسخگویی به سوالات زیر به شرح و تبیین اصول و روش‌های تربیت اجتماعی پرداخته است.

۱. اصول تربیت اجتماعی کودک از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه چیست؟
۲. روش‌های تربیت اجتماعی کودک از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه چیست؟
۳. با توجه به یافته‌های تحقیق چه پیشنهادها و راهکارهایی به خانواده‌ها و مربیان کودکان می‌توان ارائه کرد؟

هدف کلی تحقیق «تعیین اصول و روش‌های تربیت اجتماعی کودک براساس قرآن و نهج البلاغه» بوده و اهداف جزئی آن «ارائه اصول تربیت اجتماعی متناسب با دوره کودکی» و «ارائه روش‌های تربیت اجتماعی متناسب با دوره کودکی» می‌باشد.

پس از تحقیق و تتبع در منابع موجود که با روش توصیفی-تحلیلی صورت پذیرفت در مجموع ۱۰ اصل و ۶ روش برای تربیت اجتماعی کودک احصاء و تبیین گردیده و نیز توصیه‌هایی با توجه به هر اصل برای مربیان مورد اشاره واقع شده است. اصول و روش‌های احصاء شده عبارتند از:

اصول:

کرامت؛ محبت؛ توجه به تفاوت‌های فردی؛ مدارا؛ اعتدال؛ مسئولیت؛ کمال‌جویی؛ راست‌گویی؛ مشورت؛ تعاون و همکاری

روش‌ها:

الگویی؛ پیشگیری؛ عبرت‌آموزی؛ تشویق؛ تنبیه؛ تعلیم

کلمات کلیدی:

تربیت؛ تربیت اجتماعی؛ کودک؛ اصول؛ روش‌ها؛ قرآن؛ نهج البلاغه

فهرست مطالب

۱	فصل اول: کلیات تحقیق.....
۲	۱-۱- بیان مسئله.....
۴	۲-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۷	۳-۱- سؤالات تحقیق.....
۷	۴-۱- اهداف تحقیق.....
۷	۱-۴-۱- هدف کلی.....
۷	۲-۴-۱- اهداف جزئی.....
۸	۵-۱- تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی طرح.....
۸	۱-۵-۱- تربیت.....
۸	۲-۵-۱- جامعه.....
۹	۳-۵-۱- تربیت اجتماعی.....
۹	۴-۵-۱- اصل.....
۱۰	۵-۵-۱- روش.....
۱۰	۶-۵-۱- کودک.....
۱۱	۷-۵-۱- قرآن.....
۱۱	۸-۵-۱- نهج البلاغه.....
۱۲	فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه.....
۱۳	۱-۲- مبانی نظری.....
۱۳	۱-۱-۲- تربیت.....
۱۸	۲-۱-۲- مسئله اجتماعی بودن انسان براساس دیدگاه لیبرالها و جماعت گرایان.....
۱۸	۳-۱-۲- نقد دیدگاههای فوق و نظر اسلام.....
۲۱	۴-۱-۲- تربیت اجتماعی.....
۲۶	۵-۱-۲- کودک.....
۲۹	۶-۱-۲- اهداف تربیت اجتماعی از دیدگاه صاحب نظران و اسلام.....

۳۱	۲-۲-پیشینه تحقیق
۳۱	۱-۲-۲-پایان نامه ها
۳۵	۲-۲-۲-مقالات
۳۷	فصل سوم: روش شناسی.....
۳۸	۱-۳- نوع تحقیق
۳۸	۲-۳- روش تحقیق
۳۹	۳-۳- روش گرد آوری داده ها
۳۹	۴-۳- جامعه آماری
۳۹	۵-۳- تجزیه و تحلیل داده ها
۴۰	فصل چهارم: اصول و روش های تربیت اجتماعی.....
۴۳	۱-۴- اصول تربیت اجتماعی کودک
۴۳	۱-۱-۴- اصل محبت و استفاده از احساسات مهربانی
۴۸	۲-۱-۴- اصل توجه به تفاوت های فردی
۵۰	۳-۱-۴- اصل مدارا
۵۳	۴-۱-۴- اصل اعتدال
۵۸	۵-۱-۴- اصل مسئولیت انسان:
۶۲	۶-۱-۴- اصل کمال جویی
۶۶	۷-۱-۴- اصل راستی و راستگویی
۷۳	۸-۱-۴- اصل مشورت
۷۶	۹-۱-۴- اصل کرامت
۷۹	۱۰-۱-۴- اصل تعاون و همکاری
۸۳	۲-۴- روش های تربیت اجتماعی کودک
۸۳	۱-۲-۴- روش الگویی
۸۹	۲-۲-۴- روش عبرت آموزی
۹۷	۳-۲-۴- روش تشویق و تنبیه

۱۰۴ ۴-۲-۴- روش پیشگیری و کنترل
۱۱۰ ۵-۲-۴- روش تعلیم
۱۱۹ فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری
۱۲۰ ۱-۵- جمع بندی
۱۲۱ ۲-۵- نتیجه گیری
۱۲۶ ۳-۵- محدودیت ها
۱۲۶ ۴-۵- پیشنهادات
۱۲۶ ۱-۴-۵- کاربرد:
۱۲۷ ۲-۴-۵- پژوهشی
۱۲۸ منابع

فصل اوّل

کلیات تحقیق

۱-۱- بیان مسئله

موضوع تربیت همواره در برهه‌های مختلف زندگی بشری و اعصار تاریخ مدنظر بوده و انسان‌ها نسبت به آن اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند. اگرچه این امر دارای تجلیات گوناگونی بوده و به شیوه‌های مختلف اعمال گردیده، اما تجلی تمام این اقدامات گویای نیاز آدمیان به تربیت است. در هر عصر براساس فهم انسان‌ها و نیاز آن‌ها، مفاهیم تربیتی تبیین و برای آن شیوه‌های گوناگونی در پیش گرفته شده است؛ البته این سیر، فراز و نشیب‌های فراوانی داشته، که شاید بتوان این موضوع را خمیرمایه اصلی رشد و تعالی و یا سقوط و انحطاط جوامع انسانی و تمدن‌های بشری دانست.

اگر چه بر لزوم تربیت، در برهه‌های مختلف زندگی انسان شکی وجود ندارد، ولی اهمیت آن‌را در دوران کودکی نمی‌توان با سایر دوره‌ها مقایسه کرد. در این دوران جسم و جان کودک، برای پذیرش هر تربیت خوب و بد مهیا است و آنچه را که انسان در کودکی می‌آموزد، در اعماق جانش نفوذ می‌کند و تا پایان عمر می‌تواند به آسانی آن‌را بکار بندد (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۹۶). امام علی (ع) در حدیثی می‌فرماید: «دل کودک همچون زمین خالی است، که هر دانه‌ای در آن بیفشانند قبول می‌کند» (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

یادگیری در این دوران بسیار عمیق‌تر و سریع‌تر از دوره‌های دیگر زندگی انسان است. در مراحل بعدی زندگی و با گذشت زمان، یادگیری و تربیت دشوارتر می‌شود و به مانند دوران کودکی نیست. چون انسان با گذشت زمان عادت‌هایی را برای خود کسب نموده و یک سری آموزش‌ها و تأثیرها را می‌پذیرد، که تغییر دادن آن‌ها برای فرد مشکل می‌شود. غزالی در این باره می‌گوید: «هر کار که عظیم بود، تخم آن اندر کودکی افکنده باشند.» و «چون ابتدا به ادب پرورید؛ این سخن‌ها چون نقش بر سنگ بود و اگر فرا گذاشته باشند، چون خاک از دیوار فرو ریزد» (غزالی، ص ۳۱ و ۳۰ به نقل از مفیدی، ۱۳۷۲، ص ۶). بنابراین باید گفت که تربیت در این دوره با انسان و آینده‌اش گره خورده و ساختار شخصیت و رفتار آدمی در این دوران شکل می‌گیرد.

مکاتب مختلف تربیتی نیز به امر تربیت توجه و اهتمام خاصی داشته‌اند و با نگاه ویژه به تعریف و تبیین اصول و شیوه‌های مختلف تربیتی برای کودکان پرداخته‌اند؛ اما آنچه که هویدا است وجود چالش‌های زیاد در این مسیر است که متناسب با شرایط زمانی و مکانی ظهور و بروز داشته است. به عنوان مثال دیدگاه‌های تربیتی نسبت به کودک در غرب و همچنین در آیین مسیحیت سیر تحول قابل توجه‌ای داشته است. زمانی بزرگسالان، کودک را مینیاتور خویش می‌پنداشتند و در قالب این نگرش به شخصیت و هویت کودک توجه نمی‌کردند و قوانین و ارزش‌های بزرگسالان را برای کودکان منظور، و بر آن‌ها تحمیل می‌کردند. در مسیحیت قرون وسطی نیز کودکان را به منزله «گنهکار بالفطره» می‌شناختند و به

واسطه این دید، تنبیه و کنترل شدید کودکان تجویز می‌شد. در کل می‌توان گفت که، کودکان تا قبل از قرن هفدهم محرومیت‌های بسیار و ضرب و جرح عذاب‌آوری را تحمل می‌کردند (مفیدی، ۱۳۷۲، ص ۳۰). اما در اسلام وضعیت به گونه‌ی دیگری بود. با آمدن اسلام بساط زنده به گور کردن کودکان برچیده شد و کودک شأن و منزلت یافت که این شأن و منزلت برخاسته از شأن و منزلتی است که در آموزه‌های دین مبین اسلام مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان نمونه در سوره‌ی مبارکه اسراء، آیه شریفه ۷۰^۱، کرامت و منزلت انسان مورد اشاره قرار گرفته و بر حفظ آن تأکید شده است. این توجه به شأن و منزلت کودک را در سیره و گفتار پیامبر و ائمه‌ی اطهار (ع) هم می‌توان به وفور ملاحظه کرد؛ به عنوان مثال رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «رحمت خداوند بر پدری که در راه نیکی و نیکوکاری به فرزند خود کمک کند، به او احسان نماید، و چون کودکی، رفیق دوران کودکی وی باشد، و او را عالم و مؤدب بار آورد» (فلسفی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۷۰). در جای دیگری می‌فرماید: «خدای رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکوکاری به فرزند خویش کمک کند؛ آنچه را که کودک در قوه و قدرت داشته و انجام داده است از او قبول کند، آنچه انجام آن برای کودک سنگین و طاقت فرسا است از او نخواهد، او را به گناه و طغیان و ادا نرکند، به او دروغ نگوید، و در برابر او مرتکب اعمال احمقانه نشود» (همان، ص ۷۵). امام علی (ع) نیز فرموده‌اند: «کسی که کودکی دارد باید در راه تربیت او خود را تا سر حد طفولیت و کودکی تنزل دهد» (همان، ص ۷۰). با نگاهی به این روایات که مشتق از خروار است می‌توان به این نکته رسید که آموزه‌های اسلامی که از قرن‌ها پیش وجود داشته، مسائلی را مورد تأکید قرار داده‌اند که اندیشمندان غربی پس از عبور از فراز و نشیب‌های فراوان و آزمون و خطای بسیار در قرون اخیر آن‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند. پس بجاست که با نگاه دقیق و موشکافانه به دنبال اصول و روش‌های تربیتی موجود در منابع غنی اسلامی باشیم. منابع اسلامی شامل قرآن، احادیث و سیره ائمه معصومین علیهم السلام است، اما با توجه به محدودیت‌ها در این رساله فقط دو منبع اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ قرآن و نهج البلاغه. قرآن کتاب آسمانی مسلمانان است که پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) درباره‌ی این کتاب آسمانی می‌فرماید: «هر که خواهان علم پیشینیان و آیندگان از اول تا به آخر دنیا است در قرآن کاوش و تأمل کند» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۳، ص ۴۵۹). و در جای دیگری نیز می‌فرماید: «برتری قرآن بر دیگر سخنان همچون برتری خدا است بر خلق خدا» (همان، ص ۴۵۹). و نهج البلاغه که از قرآن سرمشق گرفته و برگزیده سخنان امام اول شیعیان حضرت علی (ع) است؛ که پیامبر اسلام درباره امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «علی با قرآن است و قرآن با علی است و هرگز از هم جدا نشوند تا در کنار حوض کوثر نزد من آیند» (همان، ص ۶۹). و در جای دیگری می‌فرماید: «هرکس که علم قرآن برایش پوشیده است و از

۱- وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا

من یاد نگرفته و نشنیده است، باید به علی(ع) رجوع کند، زیرا او ظاهر و باطن و محکم و متشابه آن را همان گونه که من می دانم می داند» (مجلسی، ج ۳۸، ص ۹۴).

همان گونه که می دانیم تربیت دارای ابعاد گوناگونی است که هر یک عهده دار بخشی از فرآیند رشد شخصیت کودک هستند. از میان ابعاد گوناگون شاید بتوان گفت بعد اجتماعی تربیت از اهمیت خاص و ویژه ای برخوردار است. این اهمیت از آن روست که انسان اصالتاً موجودی اجتماعی است و هوش و استعداد و سایر توانمندی های بالقوه انسان در فرآیند زندگی اجتماعی ظاهر شده و شکل می گیرد. رشد و کمال و شکوفایی ابعاد وجودی انسان نیز تنها در سایه زندگی جمعی و پذیرش مسئولیت اجتماعی میسر می شود. حال که برآنیم اصول و روش های تربیت کودک را در منابع اسلامی مورد کنکاش قرار دهیم به جاست به این نکته نیز اشاره کنیم که اسلام دینی اجتماعی است و حتی بیشتر آموزه های اسلامی نیز در راستای بهبود روابط اجتماعی بوده و بسیاری از عبادات در بستر اجتماع معنی می یابد. حال با توجه به این ملاحظه و نیز نقش ویژه تربیت اجتماعی در میان ابعاد گوناگون تربیت، موضوع این کار تحقیقی «اصول و روش های تربیت اجتماعی کودک بر اساس تعالیم قرآن و نهج البلاغه» قرار داده شده تا بتوانیم با استفاده از دو منبع ارزشمند یاد شده به ارائه الگوی مناسب برای تربیت بپردازیم.

۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

۱- یکی از تأکیدات هوشمندانه رهبر معظم انقلاب در سال های اخیر بحث بومی سازی و پیشرفت در علوم مختلف می باشد. چنانچه ایشان می فرمایند: «باید در علوم مختلف به مرتبه ای برسیم که در سال های پیش رو دانشمندان و محققین جهان برای دستیابی به تحقیقات و یافته های ملت ایران خود را نیازمند به یادگیری زبان فارسی بدانند.»^۱ این تأکید برخاسته از آینده نگری و ریزینی رهبری انقلاب است و از چند جهت باید به آن توجه شود. کشور ایران داعیه دار حکومت اسلامی شیعی در جهان است و کشوری است که گفتمان جدیدی را در جهان معرفی کرده، و از سوی دیگر مردم ایران جزء با هوش - ترین مردم جهان هستند که به منابع مختلف نیز دسترسی دارند و اگر بخواهند، توان انجام کارهای بزرگ را دارند، چنانچه در سال های اخیر شاهد این خواستن ها و تحقق کارهای بزرگ بوده ایم، پس با تمام این تفاسیر چرا باید در علوم مختلف دنباله رو و مقلد بی چون و چرای کشورهای باشیم که یافته های آن کشورها بخصوص در بحث علوم انسانی هیچ تناسب و هماهنگی با دین، جهان بینی، فرهنگ، آداب و رسوم، امکانات، تجهیزات و... ما ندارند. ما نمی توانیم تنها با الگوبرداری از نظام تربیتی غرب به اهدافمان برسیم، چون اهداف تربیت در کشورهای غربی با اهداف ما متفاوت است؛ در غرب هدف،

تربیت انسان‌هایی است که چرخ‌های صنعت را به حرکت درآورند اما اسلام اول به خود فرد بها و ارزش می‌دهد و در مرحله بعد می‌گوید که اگر انسان درست تربیت شده باشد می‌تواند جامعه را به پیش ببرد. بنابراین می‌شود ادعا کرد که این تفاوت در اهداف، به تفاوت در اصول و روش‌ها منجر می‌شود. پس با توجه به این نکات، باید با مهم شمردن منابع در دسترس، به دنبال طراحی الگوها و مدل‌های بومی برویم که با فرهنگ و مذهب ما هم‌خوانی داشته باشد.

۲- متأسفانه بعضی رفتارها و اعمالی که گهگاه در جامعه می‌بینیم، شایسته رفتار و اعمال یک فرد مسلمان که از منابع اسلامی برای تربیت وی بهره گرفته‌اند نیست و به عبارتی اگر قرار باشد عملکرد مسلمانان و وضعیت موجود جهان اسلام را به عنوان محصول تربیت اسلامی در نظر بگیریم، وضع موجود مسلمین قانع‌کننده و مطلوب نیست. این بدین دلیل است که مسلمانان از منابع اصیل اسلامی تغذیه نشده و از مجاری اصیل وحی ارتزاق نکرده و از دین فهم صحیحی نداشته‌اند، تربیت آنها لزوماً اسلامی نیست و از این رو وضعیت موجود را نمی‌توان به اسلام نسبت داد و به تعبیر مشهور:

"اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از مسلمانی ماست"

چرا که تعلیم و تربیت اسلامی قدرت و توانایی آنرا دارد که به مسائل و مشکلات جامعه‌ی مسلمانان و یا امت اسلامی پاسخ گوید. این نظام دارای ریشه و اصالت فرهنگی است و مناسب‌ترین نظامی است که می‌تواند سعادت دنیا و آخرت همه‌ی جوامع اسلامی را تامین و تضمین کند. همچنین بر پایه‌ی تعلیمات قرآن و دیگر منابع اسلامی، به ویژه آیه‌ی شریفه «كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (مجادله، آیه ۲۱) سرانجام روزی فراخواهد رسید که این نظام عالم‌گیر شود و گستردگی و شمول آن به همه‌ی اقطار جهان ما برسد و این بدان معنی است که در نظام کلی و جامع‌الاطراف تعلیم و تربیت اسلامی آن ظرفیت و پذیرش هم وجود دارد که بتواند علاوه بر پاسخگویی به نیازهای کل جوامع اسلامی به نیازهای کل جامعه بشری نیز پاسخ گوید (حسینی، ۱۳۷۹، ص ۲۵).

۳- نگاه اسلام به انسان نگاه تک بعدی نیست و یکی از ابعاد آن که در اسلام مورد توجه و تأکید است بعد اجتماعی تربیت است. بسیاری از برنامه‌های اسلام غالباً در فضایی جمعی به اجرا در می‌آیند و در میان احکام حتی عبادات فردی صبغه‌ای اجتماعی می‌یابند و در خلوتگاه عبادت نیز فرد با جماعت مسلمانان همراه می‌شود. از سوی دیگر دین اسلام قوانین و آموزه‌های بسیاری دارد که فرد در صورت عمل به آنها در زندگی اجتماعی مشکلی نخواهد داشت. قوانینی مثل حرام بودن غیبت، تهمت، دروغ، دزدی، خیانت و... لزوم رعایت امانت، وفای به عهد، دوستی، مشورت و...

۴- خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که به سوی اجتماع و زندگی در جمع گرایش دارد. این گرایش انسان ناشی از چندین نیاز است؛ اول اینکه انسان از نظر عاطفی و روانی نیاز به بودن، و زندگی با انسان‌های دیگر دارد و زندگی در تنهایی و به دور از دیگران، او را دچار مشکلات روحی و روانی

فراوانی می‌کند؛ از طرف دیگر انسان نیازهایی دارد که بدون تعاون و تشریک مساعی با دیگران نمی‌تواند این نیازهای خود را تأمین و برآورده کند، بنابراین ناچار است با دیگران همراهی و همکاری کند، تا هم به دیگران نفع برساند و هم از منافع آنها برخوردار گردد. در نهایت اینکه بسیاری از توانمندی‌های انسان مانند هوش، استعداد، زبان و... در فرآیند اجتماعی و تعاملات بین فردی ظاهر می‌شود و رشد و گسترش می‌یابد و تمام این موارد ضرورت زندگی جمعی انسان‌ها را مشخص می‌کند.

۵- انسان برای زندگی در اجتماع نیاز به تربیت دارد و تربیت اجتماعی یکی از مهمترین ابعاد تربیت است؛ چون انسان را از فردیت خودش خارج می‌کند و برای همزیستی با دیگران آماده می‌کند، فرد آداب و رسوم جامعه خود را از طریق تربیت یاد می‌گیرد، از طریق تربیت یاد می‌گیرد آداب و رسومی را که منطقی نیست یا نیازهایش را برآورده نمی‌کند با همفکری دیگران تغییر دهد، برای قبول شغل آماده می‌شود، قواعد اخلاقی را که برای ارتباط با سایر افراد به آن نیاز دارد می‌آموزد و...

اگر جامعه‌ای فقط به تربیت فردی افراد اهمیت بدهد اما هیچ‌گونه تربیتی در جهت حل مسائل و رفع نیازهای اجتماعی به افراد ارائه نکند، افراد آن جامعه وظایف خود را نمی‌شناسند و مشکلات فراوانی در جامعه و برای جامعه ایجاد می‌شود. با این تعابیر باید پذیرفت که تربیت اجتماعی یکی از ارکان و ابعاد اساسی تربیت است. این بعد از تربیت از سویی رشد شخصیت فردی را به همراه دارد و از سوی دیگر میراث فرهنگی را به نسل آینده منتقل می‌کند.

۶- بهترین زمان برای تربیت اجتماعی، دوران کودکی انسان است؛ کودک مانند موم نرمی است که هیچ شکل و نقشی ندارد و هر شکلی که به او داده شود را می‌پذیرد و همان می‌شود؛ این درست عکس دوران بزرگسالی است، چون در بزرگسالی شخصیت انسان شکل گرفته و به سختی تغییر می‌یابد. اگر شخصیت کودک، طی نخستین سال‌های زندگی چنان که باید قوام نیابد و به بعد تربیت اجتماعی او توجه نشود، هم خود فرد دچار مشکل می‌شود و هم دیگران را به سختی می‌اندازد و دچار مشکل می‌کند. فردی که در بعد اجتماعی ضعیف باشد در برقراری ارتباط با دیگران مشکل پیدا می‌کند، قبول مسئولیت و شرکت در گروه‌های اجتماعی برای او مشکل می‌شود و به فردی گوشه‌گیر، منفعل، کم‌رو و ناتوان در اجتماع تبدیل می‌شود. انسانی که رفتار اجتماعی مورد پسند جامعه را ندارد، یا مورد پذیرش سایر افراد جامعه قرار نخواهد گرفت، یا دیگران در کنار او احساس سختی و ناراحتی خواهند کرد.

۷- یکی از مهم‌ترین پیش شرط‌های پیشرفت و توسعه کشور در تمام زمینه‌ها، تربیت اجتماعی افراد آن کشور است، تا افراد جامعه در سایه این بعد از تربیت با همدلی، یگانگی و وحدت به سوی قله‌های پیشرفت حرکت کنند. همچنین تربیت اجتماعی کودکان برای جوامع مختلف نیز از این جهت مورد توجه است که نوع روابط و حیات اجتماعی جوامع در آینده متأثر از سبک و سیاق تربیت اجتماعی کودکان است. چنانکه امام خمینی (ره) به این مهم تأکید کرده و فرموده‌اند: «مهم این است که شما بتوانید

اولادها را خوب تربیت کنید. شما بچه‌های خودتان را خوب تربیت کنید، این بچه‌ها هستند که کشوری را نجات می‌دهند. باید در دامن شما اینها سالم بار بیایند. نقش خانواده و خصوصاً مادر در نونهالان و پدر در نوجوانان، بسیار حساس است و اگر فرزندان در دامن مادران و حمایت پدران متعهد به طور شایسته و با آموزش صحیح تربیت شده و به مدارس فرستاده شوند، کار معلمان نیز آسان‌تر خواهد بود» (تربیت کودک در اسلام، ۱۳۸۰).

۱-۳- سوالات تحقیق

۱. اصول تربیت اجتماعی کودک از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه چیست؟
۲. روش‌های تربیت اجتماعی کودک از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه چیست؟
۳. با توجه به یافته‌های تحقیق چه پیشنهادها و راهکارهایی به خانواده‌ها و مربیان کودکان می‌توان ارائه کرد؟

۱-۴- اهداف تحقیق

۱-۴-۱- هدف کلی

تعیین اصول و روش‌های تربیت اجتماعی کودک براساس قرآن و نهج البلاغه

۱-۴-۲- اهداف جزئی

- ارائه اصول تربیت اجتماعی متناسب با دوره کودکی
- ارائه روش‌های تربیت اجتماعی متناسب با دوره کودکی

۱-۵- تعریف مفاهیم و واژگان اختصاصی طرح

۱-۵-۱- تربیت

معنای لغوی:

تربیت در لغت به معنای پروردن، پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن آمده است (معین، ۱۳۸۲، ص ۸۱۸).

تعریف نظری:

- واژه تربیت از ریشه "ربو" و باب تفعیل است. در این ریشه، معنای زیادت و فزونی اخذ شده است. بنابراین واژه تربیت با توجه به ریشه آن، به معنای فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش است (باقری، ۱۳۸۵، ص ۵۱).
- تربیت عبارت از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی را که بالقوه در یک شی موجود است به فعلیت درآوردن و پروراندن (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۷۶).

تعریف عملیاتی:

در این رساله تربیت اجتماعی کودک مدنظر است.

۱-۵-۲- جامعه

معنای لغوی:

جامعه از نظر لغوی اسم فاعل مونث از مصدر جمع به معنای گردآوردن و فراهم نمودن و برهم افزودن می‌باشد. همچنین به معنای گروه مردم یک شهر، یک کشور یا جهان می‌باشد (معین، ۱۳۸۲، ص ۹۴۴).

تعریف نظری:

- این واژه عرفاً به معنای گروه و مخصوصاً گروهی از انسان‌ها به کار می‌رود، خواه آن گروه از مردم در روستا یا دهکده یا شهر یا استان یا کشور (مثلاً جامعه ایران) یا قاره‌ای (مثلاً جامعه آفریقا) زندگی کنند و خواه آن گروه از مردم هم دین یا هم مذهب باشند (مثلاً جامعه مسیحیان و جامعه کاتولیک‌ها) و خواه گروهی که حرفه و شغل واحدی دارند (مانند جامعه معلمان و جامعه روحانیون) و خواه همه‌ی انسان‌هایی که بر روی زمین به سر می‌برند (مانند جامعه بشری) (مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ص ۹).

- جامعه جمعیتی است سازمان یافته از اشخاص که با هم در سرزمین مشترک سکونت دارند و با همکاری در گروه‌ها، نیازهای ابتدایی و اصلی‌شان را تأمین می‌کنند و با مشارکت در فرهنگ مشترک، به عنوان یک واحد اجتماعی متمایز شناخته می‌شوند (نیک گهر، ۱۳۶۹، ص ۱۴۲).

۱-۵-۳- تربیت اجتماعی

تعریف نظری:

- تربیت اجتماعی، فردی را که غالباً یک موجود بیولوژیک اما قابل تکامل است یا به قول علما حیوان ناطقی است که می‌تواند دارای شخصیت اجتماعی باشد، را با هنجارهای اجتماعی آشنا و برای زندگی در محیط اجتماعی آماده می‌کند. بنابراین تربیت اجتماعی از ضروریات یا لوازم زندگی انسان است که تربیت اخلاقی هم می‌تواند جزئی از تربیت اجتماعی باشد (کاردان، ۱۳۸۴).
- مقصود از تربیت اجتماعی، پرورش جنبه‌هایی از رفتار آدمی است که به زندگی او در میان جامعه مربوط است تا از این طریق به بهترین شکل، حقوق و وظایف و مسئولیت‌های خود را نسبت به دیگر هم‌نوعان و هم‌کیشان و هم‌مسلمان خود بشناسد و آگاهانه و با عشق برای عمل به آن وظایف و مسئولیت‌ها قیام کند (حاجی ده آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۱۵).

تعریف عملیاتی:

تربیت اجتماعی فرآیندی است که افراد از طریق آن، آمادگی و مهارت لازم برای زندگی در اجتماع را پیدا می‌کنند؛ و تربیت اخلاقی نیز می‌تواند جزء این تربیت قرار بگیرد. در این پژوهش، تربیت اجتماعی بر اساس قرآن و نهج البلاغه مدنظر است.

۱-۵-۴- اصل

معنای لغوی:

واژه اصل در لغت به معنای بیخ، بنیاد، ریشه، پایه و بن هر چیزی است (معین، ۱۳۸۲، ص ۲۳۹).

تعریف نظری:

- مقصود از اصل قاعده‌ی عامه‌ای است که می‌توان آن را به منزله‌ی دستورالعملی کلی در نظر گرفت و از آن به‌عنوان راهنمای عمل در تدابیر تربیتی استفاده کرد (باقری، ۱۳۸۵، ص ۸۷).
- اصول (جمع اصل) نظریه‌ها و قواعد نسبتاً کلی هستند که در بیشتر موارد صادق‌اند و باید راهنمای معلمان، مدیران، اولیای فرهنگ و والدین دانش‌آموزان در کلیه اعمال تربیتی باشند (شریعتمداری، ۱۳۶۴، ص ۱۱).

تعریف عملیاتی اصول تربیت اجتماعی:

قواعد و دستورالعمل‌های کلی اسلامی که در تربیت اجتماعی نقش دارند و راهنمای عمل قرار می‌گیرند؛ که در این تحقیق اصول تربیت اجتماعی از قرآن و نهج البلاغه استخراج می‌شود.

۱-۵-۵-۱- روش

معنای لغوی:

روش در لغت به معنای طریقه، قاعده، قانون و شیوه است (معین، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶۳).

تعریف نظری:

- در تعلیم و تربیت به دستورالعمل‌های جزئی که راه رسیدن به مقصد و مقصود مورد نظر را بیان می‌کند، اطلاق می‌شود (باقری، ۱۳۸۵، ص ۸۸).
- روش عبارت از طریق انجام کار یا چگونگی استفاده از وسائل برای رسیدن به هدف‌های مورد نظر است (مرتضوی، ۱۳۷۵، ص ۴۲).

تعریف عملیاتی روش تربیت اجتماعی:

آن دسته از دستورالعمل‌های جزئی که در قرآن و نهج البلاغه مورد اشاره قرار گرفته‌اند و انسان را در رسیدن به اهداف تربیت اجتماعی یاری می‌دهند.

۱-۵-۶-۱- کودک

معنای لغوی:

کودک در لغت به معنای بچه، پسر یا دختر خردسال آمده است (عمید، ۱۳۵۹، ص ۹۶۵).

تعریف نظری:

- در اسلام، با استناد به روایتی از پیامبر اکرم (ص)، ادوار مرتبط با کودکی به سه دوره تقسیم شده است: از ولادت تا هفت سالگی، از هفت سالگی تا ظهور بلوغ، از سن بلوغ به بعد، که شخص دارای مسئولیت کامل می‌باشد. حضرت هفت سال اول را به دوره‌ی «سیادت کودک»، هفت سال دوم را به دوره‌ی «تعلیم پذیری، اطاعت و فرمان برداری» و هفت سال سوم را به دوره‌ی «نظرخواهی و مشورت» تعبیر نموده است (بجنوردی، ۱۳۸۱، ص ۲۲).
- روان شناسان نیز دوره های تربیت را شامل دوره کودکی اول، یعنی از تولد تا ۶ سالگی، دوره دوم کودکی را از ۶ تا ۱۲ سالگی و دوره نوجوانی را از ۱۲ تا ۱۸ سالگی می‌دانند (حیدری، ۱۳۸۷، ص ۳۹).

تعریف عملیاتی:

در این رساله منظور از کودک، کودکان سنین پیش دبستان و دبستان هستند که تا ۱۲ سالگی است و از نظر تقسیم‌بندی اسلامی دوره سیادت و بخشی از دوره تعلیم پذیری را شامل می‌شود که با نظر روانشناسان نیز مطابقت دارد و دوره‌ی اول و دوم کودکی را از منظر روانشناسی در بر می‌گیرد.

۱-۵-۷-قرآن

کتاب آسمانی مسلمانان است که بر پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد(ص)، در طول ۲۳ سال به صورت تدریجی نازل گردیده است. این کتاب مقدس مشتمل بر ۱۱۴ سوره و ۶۲۳۶ آیه است که در قالب ۳۰ جزء و ۱۲۰ حزب آمده است.

۱-۵-۸- نهج البلاغه

نهج البلاغه کتابی است «شامل ۲۴۱ خطبه، ۷۹ نامه، ۴۸۰ حکمت» (نهج البلاغه، ترجمه دشتی) از امام علی(ع)، امام اول شیعیان، در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اخلاقی، کلام و عقاید و مواعظ و احتیاجات، که توسط سید رضی در سال ۴۰۰ هجری جمع آوری شده است.

فصل دوم

مبانی نظری

و

پیشینه

۲-۱- مبانی نظری

۲-۱-۱- ریشه واژه تربیت:

از واژه‌نامه بر می‌آید که تربیت دارای سه ریشه است:

الف) ربا یربو: که به معنی افزودن و پروراندن می‌باشد و در آیه ۲۷۶ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره به معنای افزایش آمده است. «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُزِيلُ الصَّدَقَاتِ؛ خدا ربا را پایمال و صدقات را زیادت می‌دهد و می‌رویند.»

ب) ربی یربی: به معنی رشد کردن و برآمدن و قد کشیدن و بالیدن می‌باشد. در آیه ۵ سوره‌ی مبارکه‌ی حج به معنی بالا آمدن می‌باشد. «فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهيجٍ» در این آیه شریفه مراد از ربت بالا آمدن و انتفاخ زمین است که در اثر آمدن باران به اهتزاز آمده و هر گیاه بهجت انگیز را می‌رویند.

ج) رب یرب: به معنی پروردن، سرپرستی و رهبری کردن، نیکوکردن، از افراط و از تفریط به در آوردن و به اعتدال بردن است. در آیه ۲۴ سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء آمده «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ خدایا به پدر و مادرم رحمت فرست که آن دو مرا در کوچکی تربیت کردند.» (ملکوتی فر، ۱۳۸۸، ص ۱۵).

۲-۱-۱-۱- تربیت در قرآن

در قرآن تربیت و تزکیه هم به شخص مورد تربیت نسبت داده شده و هم به کسانی که شرایط لازم را برای پرورش او فراهم ساخته‌اند. در مورد اول قرآن می‌فرماید: «قسم به نفس و آنچه او را نیکو و معتدل بیافرید. پس وسیله شناخت گناه و تقوا را به او الهام کرد. هر کس که نفس خویش را تزکیه کرد رستگار شد، و آن که نفس خویش را آلوده ساخت، زیان برد»^۱ (شمس، آیات ۱۰-۷). همچنین در جای دیگر آمده است: «به تحقیق که رستگار شد آن که نفس خویش را تزکیه کرد»^۲ (فاطر، آیه ۱۸).

در مورد دوم نیز می‌فرماید: «خدا بر مؤمنین منت نهاد که رسولی از خودشان برایشان فرستاد، تا آیات خدا را برایشان تلاوت کند و آن‌ها را تزکیه نماید و کتاب و حکمت را به آنان بیاموزد»^۳ (آل عمران، آیه ۱۶۴).

۱- وَ نَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا

۲- وَ مَنْ تَزَكَّى فَإِنَّمَا يَتَزَكَّى لِنَفْسِهِ وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ.

۳- لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ.

و می‌فرماید: «پروردگارا! پدر و مادرم را مورد رحمت قرار بده چنانکه آنان در کودکی مرا پرورش دادند» (اسراء، آیه ۲۴).

با دقت در آیات فوق به این نکته می‌رسیم که در آن‌ها پیامبر و پدر و مادر به عنوان مربی و تربیت‌کننده معرفی شده‌اند.

۲-۱-۱-۲- تربیت در نهج البلاغه

تربیت از دیدگاه امام علی(ع) به فعلیت رساندن تمام استعدادهای نهفته در درون انسان است. امام علی(ع) می‌فرماید: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ ... وَ يُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ؛ خداوند پیامبران خود را مبعوث فرمود و هرچندگاه، متناسب با خواسته‌های انسان‌ها، رسولان خود را پی در پی اعزام کرد تا آن‌ها... و توانمندی‌های پنهان شده عقل‌ها را آشکار سازند» (نهج البلاغه، خطبه ۱). با دقت در این خطبه نیز متوجه می‌شویم که در واقع پیامبران، که بزرگ‌ترین مربیان بشر بودند می‌آمدند تا توانمندی‌های نهفته انسان و استعدادهای نهفته او را آشکار کنند.

۲-۱-۱-۳- تربیت از دیدگاه برخی از علمای غربی

«تربیت عملی است که نسل‌های بزرگسال بر روی نسل‌هایی که هنوز برای زندگی اجتماعی پخته نیستند انجام می‌دهند و هدف آن این است که در کودک، شماری از حالات جسمانی، عقلانی و اخلاقی را برانگیزد و پرورش دهند که جامعه سیاسی و نیز محیط ویژه‌ای که فرد به نحو خاصی برای آن آماده می‌شود، اقتضا می‌کند» (کاردان، ۱۳۸۱، ص ۲۰۳).

پستالوزی (۱۸۲۷-۱۷۶۴) می‌گوید: «تربیت، رشد و تکامل و تناسب همه‌ی نیروهای کودک است؛ جسمی، روحی، فرهنگی و...» (ثقفی، ۱۳۸۳).

اسپنسر (۱۹۰۲) فیلسوف انگلیسی، تربیت را «آمادگی انسان برای زندگی کامل تعریف می‌کند» (همان).

جان استوارت میل: «تربیت را هر تأثیری می‌داند که آدمی در معرض آن است و تفاوت نمی‌کند که آب‌شخور آن شیء، شخص یا جامعه باشد» (رفیعی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۹۱).

ویلیام جیمز: «تربیت را صنعتی ظریف می‌شمرد که انسان را توانا می‌کند تا با بهره‌گیری از اندیشه‌ی خود، اشیا خارجی را بنا بر خواست و نیاز و هدف‌های علمی خویش به چنگ آورد و به گونه‌ای دلخواه در آن‌ها تصرف کند» (همان).